

روایت یک جراحی بی‌نظیر از دکتر ناصر تابش در دوران دفاع مقدس

# ۱۰ هزار عمل جراحی در جنگ



کوچک از بمب اصلی، در اندام تحتانی وی فرورفته و عضلات و نسوج نرم آن را کاملاً پوشانده بود؛ لذا این بیمار، به بیمارستان شهر دزفول (افشار) که اتفاقاً در آن شب چند پزشک اعزامی در آنجا حضور داشتند، فرستاده شد و در معاینات اولیه، تصور پزشکان این بود که جسمی فلزی و سپس پوکه خالی ضد هوایی در داخل ران رزمنده فرورفته باشد؛ اما در معاینات و بررسی‌های دقیق بعدی، وقتی معلوم شد این جسم یک بمب عمل نکرده است؛ وضعیت به گونه‌ای دیگر تغییر کرد.

بیمارستان تخلیه شد و صدها بیمار به خیابان‌ها آورده شدند و همه از مجروح دوری جسته و با بلندگوی دستی کوچکی، از دور با وی صحبت می‌کردند. جراحان اعزامی هر یک رنگ‌پریده به دیگری توصیه می‌کرد که در حین عمل چه اقداماتی را انجام دهد؛ ولی حاضر نبودند خود پیشقدم شوند. بحث بر سر اینکه متخصص‌های ارتوپد باید عمل را شروع کنند یا متخصص‌های جراحی عمومی، در گرفت و هر یک دیگری را برای این عمل سهمگین، کاندید می‌کرد؛ لذا جراحان اعزامی بعد از ۴ ساعت مشاوره و بحث، به این نتیجه رسیدند که به علت خطرناک بودن این عمل و نبود امکانات کافی، بهتر است بیمار را با هواپیمای C-۱۳۰ به تهران اعزام کنند؛ بنابراین هواپیما حاضر شد و خلبان و کمک‌خلبان و مهندس پرواز به بیمارستان آمدند اما وقتی از محموله‌ای که باید به تهران ببرند مطلع

آوردگاه ناگزیر دفاع مقدس برای پزشکی ما همراه با فرصت‌های بی‌شماری بوده است در طی آن سال‌ها، انجام هزاران عمل جراحی سخت و متنوع توسط پزشکان و جراحان ایرانی، زمینه‌ساز بروز استعدادهایی شد که خروجی‌اش ارتقای سطح جراحی کشورمان شد. دکتر ناصر تابش یکی از همین جراحان ایرانی است که در آن سال‌ها تجربیات بسیاری از اتاق‌های عمل صحرایی و پشت‌خاکریزهای جنگ به دست آورد و جراحان جوان بسیاری در کنار او کارآموده شدند. روایت زیر یکی از هزاران خاطره‌ای است که در ادامه می‌آید.

در یکی از روزهای سال ۱۳۶۵، هواپیماهای دشمن یکی از مناطق عملیاتی جنوب را با بمب‌های خوشه‌ای مورد هدف قرار دادند که در این میان، رزمنده‌ای بسیجی مورد اصابت یکی از بمب‌های خوشه‌ای قرار گرفت و سر تیز بمبت، یعنی حبه‌ای

”

رزمنده‌ای بسیجی مورد اصابت یکی از بمب‌های خوشه‌ای قرار گرفت